

شخصیتهای منفی داستان

اعضای گروه هفت نفره سایه ها

-سهریج، آهراکیاچ، یوجا، هرهیاش-

---هفت سرخپوش، هفت کابوس، هفت اسطوره---

مانیس: مانیس از دهکده "یامایا" است. دهکده یامایا در جنوبی ترین قسمت دشتی موسوم به "دشت فنا" قرار دارد و در کنار رودخانه ای خروشان، بنام "هارامین" قرار گرفته است. حدود هزارنفر ساکن این دهکده اند و از کودکی تحت نظر مربیان و اربابان سخت گیر، به فراگیری فنون نینجایی میپردازند. اولین درس این مردمان این است که نباید از کشتن و کشته شدن هراسی داشته باشند و با تمام وجود سعی میکنند کودکان را طوری آموزش بدهند که از تمام چاکراهای خود، در نبرد، استفاده کنند. برای همین فقط کودکان نیرومند توانایی آموزش دیدن دارند و کودکان ضعیفتر که از پس آموزشها بر نمیایند، به عنوان مردم عادی شناخته میشوند.

مانیس یکی از کودکانی بود که با وجود ضعف بدنی، توانست از پس امتحانات بر بیاید، و پیشانی بند مخصوص دهکده را که علامت روی آن یک ستاره درخشان است دریافت کند و به عنوان نینجا، به مسافرتها دور برود، او فاقد والدین بود و نزد زنی که هفت کودک دیگر را هم تحت سرپرستی داشت زندگی میکرد، ولی نه آن زن و نه آن هفت کودک به او ذره ای علاقه نداشتند چون هیچکدام از آنها توانسته بودند امتحانات را سپری کنند، تنها کسی که به مانیس اهمیت میداد اربابش "یوجین" بود... یوجین مردی نیرومند بود که تکنیکهای فراوانی را میدانست و برای همین مورد حسد دیگر اربابان و مربیان بود، مانیس سه سال با یوجین در تمام کشور سفر کرد و جوتسوها را آموزش داد. وقتی بعد از سه سال به دهکده بازگشتند، آنبوهای دهکده یوجین را به جرم خیانتی نکرده کشتند ولی مانیس فرار کرد... مانیس به دهکده بازگشت و فهمید اربابش بخاطر حسد همونعانش کشته شده و برای همین تصمیم گرفت از مردم یامایا انتقام سختی بگیرد، او به دهکده حمله کرد و کتابچه مقدسی را که انواع فنون و جوتسوها ممنوعه در آن نوشته شده بود را ربود و به کوههای پربرف فرار کرد... او هفت سال در کوهستان ماند و بعد از هفت سال توانست کلیه فنون ممنوعه را یادبگیرد... او به دهکده حمله کرد و تمام آنبوهای دهکده را قتل عام کرد، او همچنین کسانی را که در کشتن اربابش مقصر بودند به شدیدترین وضع ممکن کشت و بزرگترین نینجای یامایا را در مبارزه نابود کرد ولی بدنش را با خودش برد، با استفاده از نیروهای ممنوعه و جوتسوها مرگبار، نیروهای او را به بدن خودش انتقال داد و برای همیشه روحش را نابود کرد... او همدندش را با خون بزرگترین نینجا رنگین کرد تا نشان بدهد او دیگر از یامایا نیست... هیچکس هرگز نشانی از او نیافت، مانیس هنگام کشتن نینجای بزرگ، 20 سال داشت.

آریا: آریا از دهکده "هوچینا" برخواست. دهکده ای بشدت نژاد پرست که در میان دریاچه ای در سرزمین باران زندگی میکرد. دهکده هوچینا متشکل از هفده خانواده اصیل و ثروتمند و هزاران نفر از مردمان عادی بود، مردمان این دهکده اعتقاد داشتند که از نسل یکی از خدایان هستند و برای اینکه با دیگران که به گفته آنها خونی منفور و کثیف داشتند مخلوط نشوند، در میان آن جزیره زندگی میکردند.

خانواده آریا، یکی از خانواده های نسبتا ثروتمند هوچینا بودند، آنها به آریا آموزش دادند که چطور از دیگران متنفر باشد و بعد او را به مدرسه فرستادند. آریا در همه دروس بهترین نمرات را گرفت تا اینکه توانست با رتبه بالایی از مدرسه تئوری نینجاها فارغ التحصیل شود، یکی از بهترین اساتید وظیفه آموزش دادن فنون نینجایی را به آریا بر عهده گرفت و در طی هفت سال، بهترین و سخت ترین فنون را به او آموخت، آریا بسیار باهوش بود و در هنگام بیکاری در کتابخانه به مطالعه انواع جوتسوها میپرداخت، او یکی از اشراف بود و اجازه داشت حتی کتابهای ممنوعه را هم مطالعه کند و در همین زمان بود که او برای اولین بار با سایه ها آشنا شد... او به اهداف آنها بسیار علاقمند شد و سعی کرد با آنها تماس برقرار کند، ارباب سایه ها به او پیغام داد که اگر میخواهد جزو یکی از سایه ها باشد باید کاری بسیار تاریک انجام بدهد، آریا برای بدست آوردن نیروی کافی ابتدا به کشتن حیوانات پرداخت و بعد یکی از خانواده های دهکده را کشت... او از احساس گناه لذت برد و بعد تمام اشراف و حتی خانواده خودش را هم قتل عام کرد و به سایه ها پیوست، آریا جوانترین عضو سایه ها است، او فقط 16 سال دارد.

رین: رین از دهکده "کارناج" برخواست. رین، کوچکترین دختر خانواده ای فوق العاده اصیل و ثروتمند بود، پدر رین بزرگترین نینجای دهکده کارناج بود و همه او را دوست داشتند. رین از کودکی تحت نظر بهترین اربابان و مربیان آموزش دید و وقتی 13 ساله بود از مدرسه نینجاها فارغ التحصیل شد و در عرض یک سال به یک چوین مبدل شد. او دارای استعدادهای فراوانی بود و آرزویش این بود که بزرگترین نینجای دهکده شود. برای همین، همراه سه نفر از بهترین دوستانش به تمام کشور سفر کردند تا بهترین جوتسوها را یاد بگیرند، هیچکس نمیداند چطور، ولی وقتی قاصدین دهکده ای برای رساندن خبری به دهکده کارناج رفتند، با اجساد همه ساکنان دهکده که به فجیعترین وضع ممکن کشته شده بودند مواجه شدند، دو سال بعد رین وارد دهکده ای دیگر شد و همه مردمان آنرا کشت، آنبوهایی که با او مبارزه کرده بودند قسم میخوردند که هیچگاه چنین نیرو و نفرتی را در یک انسان ندیده بودند، رین آن زمان لباس سرخی بتن داشت که نشان میداد او یکی از سایه ها است، رین هم اکنون 21 سال دارد.

هره: هره تنها عضوی از سایه ها است که از کودکی در آن بوده، هره فرزند خوانده ارباب سایه ها است. وقتی ارباب سایه ها هنوز نینجایی معتقد به دهکده اش بود، روزی در جریان یکی از ماموریتهاش به دهکده ای حمله کرد تا نینجای خاصی را بکشد، ارباب بعد از کشتن نینجا متوجه کودکی شد که در یکی از اتاقهای خانه آن فرد خواب بود. ارباب قصد کشتن او را داشت ولی نتوانست و تصمیم گرفت از کودک مراقبت کند، او نام کودک را هره، به معنی هدیه ای ناخواسته گذاشت و او را در دهکده خودش، همانند کودکان دیگر به مدرسه فرستاد... وقتی ارباب تصمیم گرفت از دهکده برود هره به دنبال او رفت و از همان ابتدا در سایه ها عضو شد، هره توانایی های فراوانی دارد و ترسناکترین توانایی او کنترل بدن انسانها است، او قادر است افکار یک قربانی را کپی کند و همانند آنرا اجرا کند، هره از کشتن به عنوان یک تفریح یاد میکند و همواره خونین ترین ماموریتها بر عهده او گذاشته میشود، هره کسی است که نیروهای داوطلبین را ارزیابی میکند و او کسی است که قانون وحشتناکی در گروه پایه گذاری کرد: "یک بازنده یک مرده است، کسی که باخت باید کشته شود"... اوایل این قانون برای اعضا صدق میکرد ولی بعد کلیه داوطلبانی که در مبارزه تعیین سطح بازنده میشدند بدست هره کشته میشدند، هره 19 سال دارد.

راما: راما را میتوان از اسرار آمیز ترین اعضای گروه سایه ها نام برد، همه چگونگی ورود راما را به سایه ها بخوبی بیاد دارند، یکروز که همانند روزهای قبل اعضای سایه در مخفیگاه خود مشغول تمرین و مطالعه بودند، ناگهان دختری بلند قد وارد تالار آنها شد، با هره مبارزه کرد و بسادگی او را شکست داد، نیمی از اعضای سایه را مغلوب کرد و بعد جلوی خودکشی هره را گرفت-هره در مبارزه مغلوب شده بود و باید خودش را میکشت-بعد راما در مقابل ارباب زانو زد و از او خواست کمکش کند تا بتواند نیروهایش را کنترل کند.

راما وقتی وارد سایه ها شد فقط 16 سال داشت، او سالیان سال در نزد آنها زندگی کرد و تک تک اعضای سایه به او یاد دادند چطور نیروهایش را تحت کنترل خودش در بیاورد، راما بیاد میآورد از کدام دهکده است ولی به گفته هره، با توجه به نوع چاکرایبی که استفاده میکند باید یکی از مردمان کشور باران باشد چون از چاکرایبی که متصل به عنصر آب است استفاده میکند.

در ابتدا، راما و هره دشمنان هم بودند ولی به دستور ارباب آنها با هم همگروه شدند و حالا هره و راما دوستان جدایی ناپذیرند، هره و راما نوعی جوتسو اختراع کردند که به چاکرای هر دوی آنان وابسته است، این جوتسو روح زندگی را از بدن زندگان میمکد و روحی دروغین و سیاه به بدن مردگان وارد میکند، مردگان با این وضعیت میتوانند سه هفته زندگی کنند در حالی که نبض حیات و حرکتشان به هره و راما وابسته است، راما هم اکنون 24 سال دارد.

هارو: هارو از دهکده "توفان" آمده. پدر و مادر هارو هر دو از بهترین آنبوهای دهکده بودند، آنها عضو گروهی بودند که امنیت دهکده و مردمانش را تامین میکردند... دهکده توفان فقط هفتصد نفر جمعیت دارد و در میان دره های بادگیر کوهستانهای سپید قرار دارد، مردمانش به کار دامداری اشتغال دارند و بهرین پشم و مواد لبنی را تهیه میکنند و برای همین مورد حسد دهکده های فراوانی هستند. آنبوهای این دهکده وظیفه مراقبت از گله ها و چوپانان و محصولات را بر عهده دارند. کودکان این دهکده در میان غارهای یخزده کوهستان آموزش میبینند.

وقتی هارو فقط 5 سال داشت، راهزنان پدر و مادرش را کشتند و او یتیم شد، بنا بر رسمی قدیمی، هرکس یتیم میشد دیگر حق درس خواندن نداشت و باید کار میکرد برای همین گله ای به هارو سپرده شد تا مراقبش باشد، یکروز یکی از گوسفندان گله او داخل چاهی افتاد و هارو به دنبال او وارد چاه شد و با اهریمنی در بند مواجه شد، اهریمن باد به او گفت که اگر نجاتش بدهد کاری میکند که هارو نیرومند ترین مردمان شود... هارو او را نجات داد و اهریمن نیمی از

بدن هارو را به تصرف خودش درآورد، هارو به دهکده برگشت و بعد از مدتی از دهکده فرار کرد و سایه ها را یافت، هرچه با بودن او صد در صد مخالف بود و هنوز هم مخالف است چون هرچه از اهریمنان نفرت دارد، نیروهای هارو در کنترل باد و ساختن توفان خلاصه میشود و جوتسوی قابل توجهی ندارد، او میتواند همانند پرندگان بر بال باد سوار شود و پرواز کند، هارو 15 سال و اهریمن درونش 2400 سال سن دارد.

هاریک: هاریک مسن ترین عضو سایه ها است، او ارباب سایه ها و پدرخوانده هرچه است، هاریک 40 سال سن دارد و بنیان گذار سایه ها است. وقتی هاریک 29 سال سن داشت دهکده اش را ترک کرد چون همسرش به او خیانت کرده بود و همراه بزرگترین نینجای دهکده رفته بود. هاریک همسر و فرزند او را کشت و بعد نینجای بزرگ را در مبارزه ای وحشتناک شکست داد، او خانواده های وابسته به او را هم کشت و سالها بعد بازگشت و دهکده اش را نابود کرد تا دیگر نامی از دهکده و مردمانش نباشد، هاریک وقتی 32 سال سن داشت تصمیم گرفت سایه ها را بنیان گذاری کند و برای همین برترین نینجاها را برای عضویت انتخاب کرد، در ابتدا کسی قبول نمیکرد عضو گروه او شود و برای همین هرچه، تمام آنانی که دعوت پدرش را رد کرده بودند کشت... بعد از مدتی گروه او قدرت گرفت و حالا کمتر کسی بود که نامی از گروه او نشنیده باشد. هاریک از انسانها متنفر است، بخصوص از شهرنشینان و تصمیم دارد همه انسانها را نابود کند... تنها کسی که هاریک را به صورت میثناسد هرچه و راما اند، هاریک راما را نیز به عنوان دخترخوانده خود پذیرفته است، هرچه و راما مسئول رساندن نامه ها و مسئولیتهای اعضای گروه به آنها هستند. کلیه اعضا وظیفه دارند همواره در کشورهای مختلف بگردند و نیرومندتر بشوند.

مشخصات ظاهری اعضای سایه

هاریک:

سن 40 سال/قد 182/دارای موهای جوگندمی/چشمان سبز تیره/چشم سمت چپش، بعلت مبارزه ای که در جوانی با بزرگترین نینجای دهکده اش داشته کور است ولی بواسطه نوعی جوتسوی ممنوعه، چشم یک مرده را به جای چشم خودش گذاشته و چشم سمت چپش اندکی روشنتر است/جوتسوی مورد علاقه اش، مه سیاه است که باعث خفگی حریفش میشود/بدن مردگانی را که با او مبارزه کرده اند میبرد، پوستشان را میکند و روی مجسمه های سنگی داخل مخفیگاه میکشد/او توانایی بلعیدن چاکرای حریف را دارد.(مرد)

هارو:

سن 15 سال/قد 160/دارای موهای بلوطی تیره/چشمان قرمز/اهریمن درونش از اینکه هیچ نشانه ای از خودش نشان ندهد عصبانی بود برای همین، چشمان عسلی هارو را به سرخ مبدل کرد، او میتواند از پس چشمان هارو دنیا را ببیند و برای همین میتواند گاهی حرکات هارو را کنترل کند/جوتسوی مورد علاقه اش بیرون کشیدن قلب قربانی بدون دست زدن به او است، برای اینکار نوعی زنجیر اهریمنی که از نیروهای تاریکی درست شده را به درون سینه قربانی پرتاب میکند و قلب را بیرون میکشد/بدن حریفان و قربانیانش را میسوزاند و در دود حاصله برای پایداری تاریکی دعا میکند/او دارای سه چاکرا است.(پسر)

راما:

سن 24 سال/قد 178/دارای موهای بلند سرخ/چشمان بنفش/راما را میتوان از خونسرد ترین اعضای سایه ها نامید البته هرچه از او خونسردتر است ولی هرچه فوق العاده شاد و خوشحال است، راما وقتی وارد سایه ها شد نمیدانست کیست و از کجاست ولی روزی هرچه افکار او را جستجو کرد و به او گفت که او توسط اعضای دهکده اش ترد شده چون همانند اهریمنان سرخ است، در حالی که اعضای دهکده او همگی تیره اند، راما قسم خورد که اگر روزی دهکده اش را یافت اعضای آنرا در خون سرخ خودشان غرق کند/راما عاشق بازی کردن با قربانیانش است و

همانند گربه ای که با موش بازی میکند با آنها بازی میکند و کاری میکند که خودشان همدیگر را قتل عام کنند/هرهه
و او جوتسوی شیطانی خودشان را وقتی راما 22 ساله بود اختراع کردند و از آن به بعد همواره با هم بودند/او
دخترخوانده هاریک و خواهر خوانده هرهه است.(دختر)

هرهه:

سن 19 سال/قد 168/دارای موهای مشکی بلند/چشمان آبی تیره/هرهه اولین دخترخوانده هاریک است، او از
کودکی نزد او آموزش دیده و بخوبی میتواند سخت ترین جوتسوهای تاریک و ممنوعه را اجرا کند، از کودکی آموخت
که چگونه میتواند بکشد و الان جزو برترین آدمکشهای سایه است، خواهر خوانده راما است و کسی است که همراه
راما جوتسوی ممنوعه و شیطانی بوجود آورده است/در زمانهای بیکاری به دهکده های مختلف میرود و همانند یک
جاسوس دوره دیده در مورد نیروهای دهکده های گوناگون اطلاعات کسب میکند/هرهه تنها کسی است که هاریک
را با نام خودش صدا میکند، حتی راما هم نمیتواند هاریک را بنام صدا کند.(دختر)

رین:

سن 21 سال/قد 172/دارای موهای طلائی کوتاه/چشمان قهوه ای روشن/رین مرموز ترین عضو سایه ها است، یکروز
او همینطوری وارد شد و اعلام کرد که خانواده اش و قبیله اش را قتل عام کرده، میگویند تنها کسی که دلیل اینکار
رین را میداند خود هاریک است و البته میگویند این رین نبوده که خانواده اش را قتل عام کرده، بلکه او تنها برای پیدا
کردن عاملین قتل عام خاندانش به عضویت سایه ها در آمده، بهرحال، رین یکی از قویترین نینجاهای عضو سایه است
جوتسوی مورد علاقه رین، ایجاد انواع حیوانات درنده به کمک نیروی کابوس است، او میتواند حریفش را در عین بیداری
به عمیقترین خوابها و وحشتناکترین کابوسها بفرستد و براحتی بر او پیروز شود، او سرشار از خشم و نفرت است و
زمانهای بیکاری خود را در دهکده های مختلف به دنبال کسانی که فقط خودش میداند میگردد.(دختر)

آریا:

سن 16 سال/قد 170/موهای بلند بلوطی بافته با نوارهای طلائی/چشمان بنفش روشن/او جوانترین عضو است / او
عاشق احساس گناه و عذاب وجدان است و برای اینکه بدین احساس فوق العاده دست پیدا کند، دست به هر نوع
جنایت و خیانتی میزند، او تمام خانواده اش را فقط برای اینکه به احساس گناه دست پیدا کند قتل عام کرد و از دین
پرستش خورشید دست برداشت، او شیطان را به خالقیت خود میشناسد و بشدت به او احترام میگذارد/آریا همانند
یک شاهزاده رفتار میکند و همین باعث شده که همگروهش یعنی مانیس از او متنفر باشد، آنها همواره با هم دعوا
میکند/مانیس و آریا جوتسویی به کمک هم ابداع کرده اند که باعث میشود کریستالهای یخ از درون قلب حریفشان
بیرون بزند و باعث مرگی دردناک برای او باشد/آریا از هرهه خوشش میاید ولی چون هرهه خانواده ای ندارد، غرور و
تربیتش اجازه نمیدهد به او ابراز علاقه کند، آریا بعد از هر کشتار برای سلامتی شیطان دعا و نذورات میکند.(پسر)

مانیس:

سن 23 سال/قد 180/موهای کوتاه مشکی تیره/چشمان درشت مشکی/مانیس، دو سال بعد از کشتن نینجای بزرگ
به خدمت هاریک در آمد، مانیس یکی از بهترین اعضای سایه و همگروه آریا است، آریا معتقد است مانیس فقط به درد
گدایی میخورد ولی آندو با هم زوج ترسناکی را تشکیل میدهد، مانیس همچنان به اربابش وفادار است و سالروز مرگ
او را به دهکده یامایا میرود تا برای او دعا کند، مانیس اولین کسی بود که توانست جوتسوی تبدیل روح را اجرا کند و
توانست نیروهای نینجای بزرگ را به راحتی از آن خود کند، مانیس از انسانها متنفر است و برای نابودی آنها هرکاری
انجام میدهد، وسیله مورد علاقه او در مبارزات یک شمشیر کوتاه است که به زهری بسیار کشنده آلوده است.(پسر)

دهکده ها/نامها/مکانها/علائم شناسائی

دهکده صخره:

نام اصلی دهکده: کارناچ

تعداد ساکنین: حدود هزار نفر

نام نینجای بزرگ دهکده: راوینا هارالین

علامت شناسائی: کوهی نوک تیز که از بالای آن دود به آسمان می‌رود

دهکده جنگل:

نام اصلی دهکده: تروینسلا

تعداد ساکنین: پانصد نفر

نام نینجای بزرگ: یورو روینا

علامت شناسائی: یک برگ بلوط

دهکده آبشار:

نام اصلی دهکده: یورای

تعداد ساکنین: دو هزار نفر

نام نینجای بزرگ دهکده: شارین بزرگ

علامت شناسائی: یک آبشار

دهکده فنا:

نام اصلی دهکده: یامایا

تعداد ساکنین: سه هزار نفر

نام نینجای بزرگ دهکده: اریاب لورین

علامت شناسائی: یک ستاره درخشان

دهکده پاکان:

نام اصلی دهکده: هوچینا

تعداد ساکنین: تقریباً دوهزار نفر

نام نینجای بزرگ دهکده: ارباب شایا

علامت شناسائی: یک جواهر

دهکده معادن:

نام اصلی دهکده: کارناچ

تعداد ساکنین: هزار نفر

نام نینجای بزرگ دهکده: ارباب ایامین

علامت شناسائی: یک صخره

دهکده توفان:

نام اصلی دهکده: کازه

تعداد ساکنین: هفتصد نفر

نام نینجای بزرگ دهکده: بانو یوهاکو

علامت شناسائی: یک گردباد

کلیه شخصیت‌های یاد شده، توسط "سیاهپوش" خلق شده است تا در سایت آکادمی فانتزی مورد بهره برداری قرار بگیرد، این شخصیت‌ها فقط برای طراحی کمیک استریپ در حال ساخت بکار خواهد رفت و بهره برداری از آنان برای مقاصد دیگر، منوط به کسب اجازه از خالق اثر و گروه دست اندر کار خواهد بود

O_lanes@yahoo.com

www.ahriiman.blogfa.com

×سیاهپوش×

30/03/2008